



روایتی از اختتامیه دومین جایزه کتاب روایت پیشرفت

جشن روایت و یک جمع ارزشمند

اختتامیه دومین جایزه کتاب روایت پیشرفت با معرفی آثار برگزیده اش به ایستگاه آخر رسید. ولی این جایزه همان قدر که موضوعش متفاوت است، یک اختتامیه غیرمرسوم و متفاوت داشت. اختتامیه دومین جایزه کتاب روایت پیشرفت با معرفی آثار برگزیده اش به ایستگاه آخر رسید. ولی این جایزه همان قدر که موضوعش متفاوت است، یک اختتامیه غیرمرسوم و متفاوت داشت. لا اقل من انتظار داشتم به یک سالن شیک و مرتبط در یک ارگان رسمی یا فرهنگی دعوت بشوم و پس از سخنرانی‌های چند مسئول کشوری و فرهنگی در باب ضرورت و اهمیت روایت کردن دستاوردهای چهل ساله به مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، با صف اهداکننده گان جوایز از چند نویسنده تقدیر شود. ولی وارد شدن به یک فضای صمیمی با میز و صندلی‌های جوراجور همه تصورات و انتظاراتم را بهم ریخت.

وحید نصیر، کیا

حوزه روایت پیشرفت است.» لابد بعد از این مقدمه نوبت دبیر جایزه است که گزارشی از فعالیت خودشان ارائه کند. ولی انگار قطار تفاوت و تمایز قصد ایستادن ندارد. مجری می‌گوید: «دبیر جایزه آبله مرغان گرفته است و در جلسه حضور ندارد!» مگر می‌شود؟! وقتی می‌شود اختتامیه

آقای مجری؛ آقای نویسنده

مجری برنامه میلاد حبیبی بود. کتاب «آرزوهای دست ساز» ش را - که روایت نوآوری و ساخت دوربین‌های کنترل سرعت است - خوانده بودم، و حالا به عنوان مجری اختتامیه دومین جایزه کتاب روایت پیشرفت تعجب و احساس متفاوت بودن را بیشتر کرد. این برنامه که انگار قرار بود یک هم اندیشی باشد با بیان تفاوت این جایزه با جایزه‌های ادبی از زبان مجری شروع شد: «آنچه در جایزه کتاب روایت پیشرفت مدنظر قرار گرفته است یک زمینه سازی فکری و نظری پیشرفت است.»

«آنچه در جایزه کتاب روایت پیشرفت مدنظر قرار گرفته است یک زمینه سازی فکری و نظری در حوزه روایت پیشرفت است.»